دیدگاه مسعودی درباره قیام امام حسین علیه السلام

اصغر منتظم قائم


بسم الله الرحمن الرحیم

دیدگاه مسعودی درباره ی قیام امام حسین علیه السلام

نویسنده:

اصغر منتظرقائم

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دیدگاه مسعودی درباره ی قیام امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : اصغر منتظم قائم

ناشر: اصغر منتظم قائم

چکیده

این مقاله ابتدا به شرح حال مسعودی می پردازد و بیان می دارد که مسعودی فرزند قرن چهارم، اوج نوآوریها و شکوفاییهای علمی مسلمین در شاخه های مختلف دانش بشری است.از نظر مسعودی تاریخ، مجموعه ای از معارف بشری و آگاهیهای سودمند است که برای نفوس، ضروری و شامل همه ی وقایع مربوط به انسان است.در بخش دیگری از مقاله، روش تاریخنگاری مسعودی مورد بررسی قرار گرفته و به نوآوری او در این زمینه، منابع مورد استفاده ی وی و دیدگاه مذهبی او اشاره شده است.بخش آخر به دیدگاه مسعودی درباره ی قیام امام حسین اختصاص دارد. وی در کتاب «التنبیه والاشراف» قیام امام حسین (ع) را به طور خلاصه در ضمن دوران خلافت یزید آورده اما در کتاب مروج الذهب این واقعه را تحت عنوان «ذکر مقتل حسین ابن علی بن ابی طالب» در ۹ صفحه به تصویر کشیده است.

مقدمه

با سپاس از همت والای پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) در خصوص برپایی نشست علمی – پژوهشی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام و بررسی تحریفات و برداشتهای نادرست از قیام امام سوم علیه السلام، اینجانب در پاسخ به دعوت آن پژوهشکده محترم، گفتاری در زمینه ی شیوه ی تاریخنگاری یکی از مورخان اسلام، که نامش بر تارک آسمان نگارش «تاریخ اسلام» می درخشد، ذکری به میان آورده، در فرجام سخن به دیدگاه او درباره ی قیام امام حسین علیه السلام با دلایل و شواهد اشاره خواهم کرد.

زندگانی مسعودی

وی ابوالحسن علی بن حسین بن عبدالله مسعودی، یکی از فرزندان صحابی پیامبر (ص) عبدالله بن مسعود است که در سال ۲۸۷ هجری در شهر بغداد به دنیا آمد. [۱] او در همین شهر رشد کرد و به تحصیل علوم رایج در شاخه های مختلف لغت، ادب، فقه، تاریخ، کلام، جغرافیا، ریاضیات، هیأت، فلسفه و سیاست پرداخت و زبانهای فارسی، یونانی، سریانی و سانسکریت هندی را فراگرفت. سپس برای تحقیقات جغرافیایی و تاریخی در سال ۳۰۹ هجری به جهانگردی پرداخت. وی در طول سیاحت خستگی ناپذیرش از مناطق مختلفی از جمله فارس، کرمان، استخر، ملتان، منصوره، کنبایه، بمبئی، سرندیب، بلاد چین، ماداگاسکار، زنگبار، عمان، آذربایجان، گرگان، شام، انطاکیه و بصره بازدید کرد و در سال ۳۳۶ هجری قمری به مصر رفت و در شهر فسطاط سکونت گزید و به سال ۳۴۶ هجری [۲] در همین شهر دار فانی را وداع گفت. مسعودی فرزند قرن چهارم، اوج نوآوریها و شکوفاییهای علمی مسلمین در شاخه های مختلف دانشهای طب، داروسازی، فلسفه، شیمی، فیزیک،

مکانیک، هیأت، ریاضیات، جغرافیا، کلام، شعر، لغت و تاریخ است. دانشمندان بزرگی همچون زکریای

راضـی، الکنـدی، فارابی، طبری، نوبختی، علی بن عباس اهوازی، ابن مسـکویه مسـعودی بانیان این تحول بزرگ علمی بودند. مرکز این نوآوریهای علمی در شهرهای مختلف اسلامی بویژه بغداد زادگاه مسعودی بود. وی تحت تأثیر این تحولات علمی و نواندیشـی بود و با تفکرات عقلانی و دانش فلسفی کاملا آشنایی داشت، کوشش او در نگارش تاریخ، سعی در تبیین علمی و فلسـفی حوادث تـاریخی بود که از قلمرو وقایع متعلق به یک نسل و حکومت معینی خارج است و وارد قلمرو شـرایط کلی می شود که بر امور جزئی و تحلیلی و علت یابی حاکم است. مسعودی در آثار خود برای اولین بار به تبیین عمیقتر وقایع تاریخی و بررسی تحولات جغرافیایی و اقلیمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پرداخت. او تحولی اساسی در تاریخنگاری به وجود آورد و آن را از شـیوه محـدثان جـدا کرد و بـه صـورت مسـتقل و یـک رشـته علمی در آورد کـه گـامی بلنـد در پیشـرفت اندیشـه تاریخنگاری بود. در نظر مسعودی «تاریخ، مجموعه ای از معارف بشری و آگاهیهای سودمند است که برای نفوس، ضروری و شامل همه وقایع مربوط به انسان است».وی در مقـدمه «مروج الـذهب» می نویسـد: «کتاب حاضـر را که برگزیـده های تألیفات سابق ماست و منـدرجاتی گرانقـدر و مطالبی معتبر دارد، مروج الـذهب و معادن الجوهر نامیدم و آن را هدیه بزرگان ملوک و اهـل درایت کردم که از اخبـار روزگاران گذشـته، نکاتی ضـمن آن آورده ام که مورد حاجت، و نفوس به دانسـتن آن راغب است و هم آن را نمونه ای از مطـالب کتابهـای پیشـین خود کرده ام که معرفت آن زینت افزای ادیب خردمنـد است و از تغافل آن معذور نیست و در این کتاب

همه علوم و فنون تاریخ و رشته های حوادث را به تفصیل یا به اجمال آورده یا به صورتی اشاره کرده و یا به تدریج در عبارتی گنجانده ام. [۳] .در مقدمه «التنبیه و الاشراف» نیز می نویسد «آداب ریاست و اقسام تدبیرهای مدنی که شاهان با عاملان کنند و چیزها که شاه را در راه یافتن خود و رعیت لازم است و اقسام تدبیرهای دینی و شمار اجزای آن و اینکه چرا شاه را دین بایسته است» [۴] در این کتاب ذکر شده است.ابن خلدون که شدیدا تحت تأثیر کتاب مروج الذهب مسعودی است [۵] درباره روش مسعودی می نویسد: «مسعودی در مروج الذهب احوال ملتها و سرزمینها را در روزگار خویش یعنی سال سیصد و سی، خواه نواحی مغرب و خواه مشرق، شرح داده و مذاهب و عادات آن را یاد کرده و به وصف شهرها و کوه ها و دریاها و دولتها پرداخته و طوایف و ملتهای عرب و عجم را یکایک آورده است» [۶] بدین صورت از دیدگاه مسعودی، تاریخ واقعیتهای دنیوی انسانی مؤثر بر سرنوشت انسانی است. تاریخ با مسائل سیاسی و اجتماعی عینی مربوط است و در اینجاست که روش مسعودی در پژوهش تاریخی به علت یابی و تبیین علمی و علی حوادث نزدیک می شود و از این طریق، وی عقل و نظر و تجزیه و تحلیل را در تاریخ وارد کرده است [۷] و متن و محتوای حوادث تاریخی، امکان وقوع یا عدم وقوع آنها را تجزیه و تحلیل می کند.مسعودی همانند جهانگردی خستگی ناپذیر از دسته بندیهای سیاسی به دور ماند و به دربار امیر یا خلیفه ای وابسته نشد و به همین دلیل به خود اجازه می دهد بارها

با آزاداندیشی از خلفای بنی امیه و بنی عباس انتقاد کند. او هنگام سفرهای خود با افکار، عقاید و مذاهب گوناگون برخورد کرد و به همین جهت از پیشداوری و طرفداری متعصبانه از گروهی خاص به دور ماند. بدین منظور در کتاب خود می آورد: و هر که در این کتاب بنگرد، بداند که در آن مذهبی را یاری ندادم و از گفته ای طرفداری نکردم و درباره مردم جز اخبار نیکو نیاوردم و چیزهای دیگر را یاد نکردم. [۸] .

روش تاریخنگاری مسعودی

وی در نگارش تاریخ، نوآوری خاصی داشت و تاریخنگاری به صورت روایی و وقایع نگاری از هم گسیخته بر حسب سال را به شیوه جدیدی در آورد؛ بدین صورت که حوادث را با نظم و هماهنگی و انسجام کاملی تحت عنوان موضوع مشخص با رعایت ترتیب وقوع به نگارش در آورد. وی گاهی روایات را با ذکر سلسله سند آورده و متن و سند حدیث را نیز با دیدی انتقادی بررسی می کند [۹] . روش او در ثبت زندگانی پیامبر اکرم (ص) به شیوه سال نگاری است. مسعودی تحقیقات تاریخی را با جغرافیا در آمیخت [۱۰] و در تاریخنگاری به تاریخ فرهنگ و تمدن، مردم شناسی و شناخت روحیات ملل و آداب و رسوم، توجه خاصی نشان می دهد. وی اطلاعاتی در زمینه دین شناسی و تاریخ ادیان نیز به دست می دهد [۱۱] و با همراه کردن امثال و سخنان حکیمانه و پندآموز، تأملات سیاسی و اخلاقی را مطرح کرده و اطلاعاتی در باب گیاه شناسی، جانورشناسی، زمین شناسی [۱۲] ، باستان شناسی و توصیف آثار باستانی [۱۳] به دست می دهد.

منابع مورد استفاده مسعودی

وی در آغاز کتاب مروج الذهب منابع مورد استفاده خود را، که آثار مورخان مشهور قرن دوم و سوم است، نام برده ولی گاه و بیگاه نیز در لابلای مطالب، اسناد آنها را نیز ذکر می کند. [۱۴] .

دیدگاه مذهبی مسعودی

اگر چه محققان، مذهب مسعودی را شافعی، اسماعیلی، زیدی و شیعه امامی نوشته اند لیکن در بررسی آثار مسعودی می توان گفت: وی ضمن رعایت بی طرفی و عدم گرایش خاص پیشداوری در نقل حوادث، گرایشی قوی به آل البیت و علویان و ائمه شیعه بویژه حضرت علی علیه السلام نشان می دهد. او در نگارش حوادث دوران خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام توجه خاصی مبذول داشته و بطور منظم و هماهنگ، همراه با شرح مبسوطی، حوادث این دوره را نگاشته است. قیامهای علویان و شیعیان را با عنایت و همدلی خاص به تصویر کشیده است و در مقابل در ارتباط با اعمال امویان، افشاگری صریحی از اعمال و رفتار و چگونگی حکومت داری و زندگی خصوصی و اخلاق و رفتار خلفای اموی به دست می دهد؛ برای نمونه شخصیت یزید بن معاویه را این چنین می نویسد: یزید مردی عیاش بود؛ سگ و میمون و یوز و حیوانات شکاری نگه می داشت و شرابخواره بود... پس اصحاب و عمال یزید نیز از فسق او پیروی کردند. در ایام وی غنا در مکه و مدینه رواج یافت و لوازم لهو و لعب به کار رفت. مردم آشکارا شرابخوارگی می کردند... وقتی ستم یزید و عمال وی شایع شد و اعمال فسق او آشکار شد، پسر دختر پیامبر خدا (ص) را با یارانش بکشت و شرابخوارگی کرد و سیرت فرعونی گرفت، بلکه فرعون در کار رعیت از او عادلتر

و در کار خاصه و عامه منصفتر بود. [۱۵] .وی در ادامه می افزاید:«یزید و یارانش، اخبار عجیب و قبایح فراوان دارند از شرابخوارگی و قتل دخترزاده پیامبر (ص) و لعنت وصی پیامبر (ص) و ویران کردن و سوزاندن کعبه و خونریزی و فسق و فجور و اعمال دیگر که تقدیر خدا آمده که از آمرزش او مأیوس باید بود». [۱۶] .همچنین درباره حجاج بن یوسف ثقفی می نویسد: در مدت حکومت او یکصد و بیست هزار نفر گردن زده شدند. وقتی مرد، هشتاد هزار نفر در زندان او بودند که سی هزار نفر آنان، زن بودند. محبس زنان و مردان یکی بود و حفاظی نداشت که مردم از آفتاب تابستان و باران و سرمای زمستان محفوظ دارد [۱۷] .در مورد زندگی یزید بن عبدالملک می نویسد: «فسق او عیان و جورش عام شده بود» [۱۸] .مسعودی همه قیامهای علویان را در دوره اموی و عباسیان با همدلی و به طور منظم نگاشته است [۱۹] قیام حجر بن عدی و کشته شدن او به دستور معاویه را با همراهی آورده است. [۲۰] وی در مورد قیام مردم مدینه در سال شصت و سه هجری می نویسد: (این حادثه) پس از قتل حسین بن علی علیه السلام از مهمترین و رقت انگیزترین حوادث اسلام بود. [۲۱] .مسعودی مکررا از زبان خود یا قول دیگران مثل ابن عباس و سعد بن ابی وقاص، فضائل و مناقب امام علی علیه السلام مثلا سبقت در ایمان، همسری سیده النساء العالمین، حدیث منزلت، حدیث غدیر، برترین صحابه و پرهیزگارترین آنان که اختصاص به علی علیه السلام دارد، حدیث مرغ بریان شده و برادری با پیامبر (ص) را نگاشته است [۲۲]

.مسعودی، مکرر به وصایت امام علی علیه السلام اشاره دارد و وی را وصی پیامبر (ص) معرفی می کند [۲۳] و عموما همراه نام علی علیه السلام که امیرمؤمنان [۲۴] و یا کلمه علیه السلام [۲۵] یا هر دو کلمه را همراه با هم [۲۶] آورده است و در چندین موضع به امامت علی علیه السلام و بقیه ائمه شیعه تصریح کرده است؛ [۲۷] از جمله می نویسد: «پیامبر (ص) به علی علیه السلام فرمودند: تو و دوازده نفر از فرزندانت امامان بر حق هستید. [۲۸] نقل اینگونه احادیث و حدیث غدیر و تأیید آنها و تصریح به امامت علی علیه السلام و دیگر ائمه شیعه، دلیل قاطعی بر شیعه امامی بودن مسعودی است. از دلایل دیگر شیعی بودن مسعودی این است که وی در مقابل منکران فضائل و مناقب علی علیه السلام و ائمه شیعه با قلم به بیان پاسخگویی و رد شبهات آنان برآمده است؛ از جمله درباره عمرو بن جاحظ می نویسد: «او کتاب العثمانیه را در انکار فضائل امام علی علیه السلام و کتاب دیگری درباره امامت بنی امیه و مروانیان و همچنین کتاب سومی به عنوان مسائل العثمانیه تألیف کرده است. مسعودی در ادامه می نویسد: به منظور حق کشی و ضدیت با اهل حق، فضائل و مناقب علی علیه السلام را رد کرده و به تأیید مخالفان حضرتش دلیل آورده است ولی خدا نور خویش را کامل می کند گرچه کافران نخواهند. [۲۹] مسعودی حتی مردمی را که به حضرت علی علیه السلام ناسزا می گویند لعن و نفرین می کند [۳۰] در جزء کتابهای منسوب به مسعودی به نامهایی برمی خوریم که شاهدی بر شیعی بودن اوست از جمله کتاب «البیان فی اسماء الأئمه القطعیه من الشیعه»، کتاب

«الاستبصار فی الامامه» کتاب «حدائق الاذهان فی اخبار اهل البیت النبی و تفرقهم فی البلدان» و کتاب مظاهر الاخبار و طرائف الآثار فی اخبار آل النبی» و کتاب «فی اثبات الوصیه لعلی بن ابیطالب» [۳۱] .بدین صورت آشکارا مشخص است که مسعودی شیعه امامی بوده است و چون جهانگردی پرتلاش بود و اقتضا می کرد به جهان اسلام و غیر آن مسافرت کند، ناگزیر بوده است گاهی حتی دیانت خود را پنهان کند و یا به مذهب خود، اشاره مستقیم نکند. همانطور که اشاره شد از مطالب دو اثر مهم او شیعی بودن او روشن می شود؛ برای نمونه تحلیلی است که او درباره ی قیام امام حسین علیه السلام دارد.

دیدگاه مسعودی در خصوص قیام امام حسین

وی در کتاب «التنبیه والاشراف»، که در واقع یک کرونولوژی تاریخ جهان تا سال ۳۴۵ هجری است، حوادث زندگی پیامبر (ص) را با شیوه سال نگاری و پس از آن را به شیوه دودمانی تنظیم کرده و ترتیب آن را به صورت دوران حکومت خلفا نگاشته است. او قیام امام حسین علیه السلام را به طور خلاصه در ضمن دوران خلافت یزید آورده است، اما در کتاب مروج الذهب واقعه قیام را تحت عنوان موضوعی واحد به نام ذکر «مقتل حسین بن علی ابن ابیطالب علیه السلام در نه صفحه به تصویر کشیده است. مسعودی واقعه شهادت امام را با اظهار اندوه و قیام ایشان را با همراهی و همدلی تمام بیان کرده است. حرکت امام را از دعوت دوازده هزار یا هیجده هزار نفر از کوفیان مبنی بر یاری حضرت در قیام، شروع می کند. مسعودی به حضور حسین بن علی علیه السلام در مکه اشاره می کند؛ بدین صورت که ابن عباس به

قصـد مصـلحت اندیشـی و وادار نمودن امـام به مانـدن در مکه یـا حرکت به یمن، خـدمت امام رفت، اما امام تقاضای او را رد کردند. پس از آن مسـعودی به مذاکرات عبدالله بن زبیر با حسـین بن علی علیه السلام اشاره می کند و اینکه او از عزیمت امام به کوفه شادمانبوده است. مسـعودی از شخصـی به نام ابوبکر بن حارث بن هشام نام می برد که او نیز به قصد مصلحت اندیشی نزد امام رفت و در مورد چگونگی پیمان شـکنی کوفیان در برابر امیرمؤمنان علی علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام اشاره کرد و گفت: همه اینها را دیده ای و باز می خواهی به سوی کسانی بروی که به پدر و برادرت سـتم کرده اند. [۳۲] .مسعودی پس از آن به نصب عبیـدالله بن زیاد به حکومت کوفه توسط یزیـد بن معاویه و رفتن او به کوفه اشاره دارد و می گوید: زمانی که عبیدالله به کوفه آمد چنان بر مردم آنجا سـخت گرفت و آنها را مرعوب کرد که هانی بن عروه، از رهبران شیعه و هواداران امام، را فورا دستگیر و زندانی کرد و در پی دستگیری او مسلم بن عقیل در روز هشتم ذی الحجه سال شصت هجری به کمک ۱۲ هزار نفر قیـام کرد ولی چنـان جو رعب و وحشت بر شـهر حـاکم شـده بـود که حرکت مسـلم دیری نپاییـد و همه مردم از اطراف او پراکنـده شدنـد. این واقعه را مسـعودی با پناه بردن مسـلم به خانه زنی از وابسـتگان اشـعث بن قیس دنبال می کنـد و چگونگی کشف مخفی گاه مسـلم را به تصویر می کشـد. سـپس امان دادن محمـد بن اشـعث بن قیس و خیانت ابن اشـعث به مسلم

را بیان می کند و در ادامه می نویسد: وقتی او را به دار الاعماره شهر بردند عبیدالله بن زیاد فرمان داد گردن او را بزنند و جسد او را از فراز بام به پایین پرتاب کنند. مسعودی برای روشن تر کردن جو وحشت و اضطراب در کوفه و اینکه چگونه امویان و عبیدالله بر اوضاع مسلط شدند، اشاره می کند که عبیدالله بن زیاد دستور داد هانی بن عروه را دست بسته گردن بزنند ولی علی رغم اینکه هانی پیشوای قبیله بنی مراد بود و قبلا سی هزار نفر از بنی مراد، کنده و غیره در رکاب و گوش به فرمان او بودند، اما او هر چه از مردم کمک خواست کسی خواسته او را اجابت نکرد و هانی به قتل رسید.مسعودی پس از آن به حرکت امام از مکه و آمدن حضرت به قادسیه اشاره می کند که در آنجا حر بن یزید تمیمی راه بر او بست و در حالی که امام به همراهی ۵۰۰ سوار و یکصد پیاده بودند به سوی کربلا رفتند که با سپاه عبیدالله بن زیاد به فرماندهی سعد بن ابی وقاص روبرو شدند ودر روز دهم محرم سال ۶۱ هجری امام با آنها جنگ کرد و کشته شد و همراه او نیز هشتاد و هفت نفر از یارانش کشته شدند.مسعودی در ادامه ی واقعه به فرستادن سر امام توسط عبیدالله بن زیاد به دمشق اشاره می کند و می نویسد: «وقتی سر حسین بن علی علیه السلام را در مقابل یزید قرار دادند یزید شروع کرد با چوب بر دهان آن حضرت زدن، در این هنگام ابوبرزه اسلمی نزد یزید بود به او گفت: چوب را بردار به خدا دیدم که

پیـامبر (ص) دهـان به دهان او گذاشـته بود و وی را می بوسـید. [۳۳] مسـعودی می نویسـد: «قاتلان همه از اهل کوفه بودنـد و شامی در میان آنها نبود. همچنین می نویسد: عمر بن سـعد به تعدادی از یارانش دستور داد تا پیکر امام را لگدمال سم ستوران کنند (و با این جنایت روی جنایتکاران تاریخ را سـفید کرد) و فردای آن روز قومی از غاضریه از بنی اسد پیکر امام و یاران او را به خاک سپردند. مسـعودی در رثای حسـین بن علی علیه السـلام می نویسد کدام مصیبت با مصیبت حسین علیه السلام برابر است [۳۴] و شـعری از مسـلم بن قتیبه وابسـته به بنی هـاشم می نویسـد: «ای چشم، در گریه و زاری بخل نورز. اگر می خواهی اشـک بریزی، بر خـانواده پیامبر (ص) گریه کن [۳۵] و سـیعلم الـذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.با توجه به مطالبی که در شـرح مراتب علمی و شـیوه تاریخنگـاری مسـعودی گـذشت نتیجه می گیریم یکی از معتبرترین اسـناد تـاریخی قیـام امام حسـین علیه السـلام که می توان به نظریات نویسـنده آن اعتماد کرد و از اخبار ناصـحیح نیز عاری است، مطالب مسعودی در مروج الذهب است، اما چون قصد مسعودی نگارش تاریخ عمومی بوده، از شرح جزئیات حوادث خودداری کرده و همین حسن کار اوست. چون در نقل جزئیات است که اخبار ناصحیح وارد مباحث می شود و مسعودی نیز علی رغم اینکه علاقه ای به شرح جزئیات و ذکر اعـداد و ارقام نشان نمی دهد که اغراق در مطالبش راه یابد ولی ارقامی را که در این باره نقل کرده معمولاً مسـتند و قابل قبول است. در پایان یادآور می شویم اگر مطالب مسعودی به تفصیل بعضی از مآخذ دیگر، مثل تاریخ طبری

و ارشاد شیخ مفید، نیست اما مستند، قابل قبول و عاری از هرگونه اخبار ناصحیح و اغراق آمیز است و همچنان که بسیاری از محققان در نگارش آثار جدید از مطالب او سود جسته اند بایسته است محققان تاریخ اسلام به گزارش مسعودی در این باره توجه بیشتری بنمایند.

پاورقی

[۱] ابن ندیم زادگاه مسعودی را مغرب نگاشته که قطعا اشتباه است زیرا مسعودی زادگاه خود را صریحا اقلیم بابل نام می برد. ر. ک الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، انتشارات امیرکبیر (تهران، ۱۳۶۶) ص ۲۵۴ و مروج الذهب و معادن الجوهر: به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دار المعرفه (بیروت) المجد الثانی، ص ۶۵ و ۶۶.

[۲] یاقوت حموی، معجم الادباء، مؤسسه دار الفکر (بیروت - ۱۴۰۰ هجری) الجزء الثالث عشر، ص ۹۰.

[۳] مسعودی، مروج الذهب، المجلد الاول، مقدمه، ص ۱۸.

[۴] مسعودی، التنبیه و الاشراف، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، دار الصاوی (قاهره) ص ۵.

[۵] ابن خلدون به قصد تعریف یا نقد از مسعودی زیاد نام می برد و او را برای خود یک الگو و مرجع درجه ی اول و بااهمیت معرفی می کند. ر. ک مقدمه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات (بیروت)، ص ۳۲.

[۶] همان، ص ۳۲.

[۷] ر. ک. مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۲۹۶، ۲۴۵، ۲۴۱، ۲۲۹، ۲۲۸.

[۸] مروج الذهب، المجلد الرابع، ص ۳۸۶.

[۹] ر. ک، همان، المجلد الثانی، ص ۲۲۱ - ۲۲۸. [

[۱۰] ر. ک، همان، المجلد الثانی: ص ۲۷۳ - ۳۰۲.

[۱۱] ر. ک مروج الذهب، المجلد الاول، ص ۳۰۸ و التنبیه و الاشراف، ص ۱۰۶ به بعد.

[۱۲] ر. ک مروج الذهب، المجلد الاول، ص ۱۰۷ و المجلد الثانی ص ۱۳۰۸ و ۲۳.

[۱۳] ر. ک، همان، المجلد الثانی، ص ۲۵۴ و ۲۶۰ و

المجلد الاول، ص ۳۶۱ و ۳۶۶.

[۱۴] ر. ك. التنبیه و الاشراف، ص ۲۹۸.

[۱۵] ر. ك، مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۷۸ و ۷۷.

[۱۶] همان، ص ۸۱.

[۱۷] مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۱۷۵.

[۱۸] همان، ص ۲۳۹.

[۱۹] برای نمونه قیامهای علویان در دوره منصور را آورده است. ر. ك همان، ص ۳۰۶.

[۲۰] همان، ص ۱۲.

[۲۱] التنبیه و الاشراف، ص ۲۶۴.

[۲۲] ر. ك. مروج الذهب، المجلد الثانی، ص ۴۲۵ – ۴۳۱ – ۴۳۷ – ۴۲۶ و المجلد الثالث، ص ۸۱ – ۲۳ – ۶۰ – ۳۰۶ و التنبیه و الاشراف، ص ۲۲۱ – ۲۵۷ – ۲۴۵ – ۲۳۴.

[۲۳] مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۲۱ و ۸۱.

[۲۴] همان، المجلد الثانی، ص ۴۲۵ و المجلد الرابع، ص ۱۴۶ و التنبیه و الاشراف، ص ۲۵۹ – ۲۵۰ – ۲۰۶.

[۲۵] همان، ص ۲۵۶ – ۲۵ – ۲۳۸ – ۱۳۹.

[۲۶] همان، ص ۲۴۵ – ۲۳۴.

[۲۷] مروج الذهب، المجلد الاول، ص ۳۳.

[۲۸] التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۹.

[۲۹] مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۲۵۲.

[۳۰] همان، ص ۲۶۰ و المجلد الرابع، ص ۱۴۶.

[۳۱] ر. ك لیست آثار مسعودی که وی در مروج الذهب و التنبیه آورده است.

[۳۲] مروج الذهب، المجلد الثالث، ص ۶۶.

[۳۳] همان، ص ۷۱.

[۳۴] همان، ص ۷۱.

[۳۵] همان، ص ۷۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹